در «کلیک» بخوانید:
تأثیر «ماسک» بر بازار رمزارزها

مجید صالحی چگونه از کمدی به نقش‌های جدی رسید؟
شوخی شوخی جدی شد!

جام جم
روزنامه فرهنگی، اجتماعی صبح ایران
www.jamejamdaily.ir
یکشنبه ۱۳ تیر ۱۴۰۰ | ۲۳ ذی‌القعده ۱۴۴۲ | ۲۰ صفحه | سال بیست‌و دوم - شماره ۵۹۷۸ | استان تهران و البرز ۲۵۰۰ تومان - دیگر استان‌ها ۱۵۰۰ تومان | Sunday - July 4, 2021

۱۰

افزایش نرخ ارز و سیاست‌های غلط باعث شده هزینه تولید پوشاک داخلی بیش از محصولات خارجی شود

پوشاک ایرانی در محاصره قاچاقچی‌ها

۳

گفت‌وگو با مجید قهرودی، عکاس نجومی و کوهنورد به مناسبت ۱۳ تیر روز ملی دماوند

شبی که دلباخته دماوند شدم

۱۴

روند مذاکرات وین نشان می‌دهد آمریکا به دنبال حفظ و تثبیت ساختار تحریم‌هاست

استراتژی «تنفس مصنوعی»

زمان شروع مجدد گفت‌وگوهای وین به یکی از مسائل خبرساز تبدیل شده تا جایی که خبرگزاری رویترز گزارش داده آمریکا قصد دارد به منظور هماهنگی‌های لازم با کابینه جدید رژیم‌صهیونیستی، دور بعدی گفت‌وگوها را به تأخیر بیندازد. ششمین دور مذاکرات هسته‌ای وین برای رایزنی در خصوص وضعیت برجام چند روز پیش به پایان رسید و تمامی طرف‌های مذاکره منتظرند زمان برگزاری دور هفتم مذاکرات اعلام شود که البته هنوز زمان دور جدید اعلام نشده است. در همین زمینه میخائیل اولیانوف، نماینده روسیه در این مذاکرات، برعدم آمادگی برخی طرف‌های مذاکره برای آغاز دور هفتم تاکید و...

۲

آیا سرنوشت سوریه در انتظار افغانستان است؟

نقشه غربی برای همسایه شرقی

محمدحسین جعفریان: آمریکا به دنبال ایجاد یک داعش جدید در افغانستان است

منبع: New York Times | ۸

یادبودی برای مرحوم سیروس گرجستانی که یک سال پیش ما را ترک کرد

جای‌تان خالی سیروس خان!

۶

گفت‌وگوی «کافه میرداماد» با علی دهباشی و دکتر مهدی محقق در سالروز درگذشت دکتر محمد معین

فردوسی معاصر

۲۰

نفس‌های تالاب هورالعظیم به شمارش افتاده و همین روزهاست که یک بیابان وسیع، جای آن را بگیرد

هوری که گور شد

۱۸

یادداشت

بیم بی‌انتها

بابک باصری
استادیار حقوق عمومی دانشگاه آزاد واحد افغانستان

با خروج نیروهای ناتو از پایگاه بگرام در ولایت کاپیسا و واقع در شمال کابل، طالبان به تقویت نیروهای خویش در شمال و جنوب افغانستان و افزایش خشونت جهت تصرف مراکز استان‌ها (ولایات) و شاهراها به قصد پیشروی به‌سوی کابل خواهد پرداخت. از سوی دیگر، دولت و ارتش (اردوی) افغانستان کماکان با استمرار راهبرد دفاع فعال، فعلاً به‌دنبال حفظ نقاط حیاتی و دفاع از شهرهای بزرگ و مراکز استان‌ها خواهد بود و عقب‌نشینی از ولسوالی‌های (شهرستان‌های) کوچک و دورافتاده را به‌صورت تاکتیکی جهت واگذاری زمین (البته نقاط غیراستراتژیک) و خرید زمان جهت تغییر راهبرد فعال و یا موفقیت احتمالی در مذاکرات صلح دوحه در دستور کار قرار خواهد داد. اما به‌نظر می‌رسد که استمرار چنین وضعیتی برای هر دو طرف شکننده و ناپایدار خواهد بود و ممکن است یکی از گزینه‌های ذیل در آینده‌ای نه‌چندان دور رخ دهد:

۱ تکرار تاریخ و سقوط کابل به‌دست طالبان؛ مانند آنچه در سال ۱۳۷۵ در اثر شکاف میان دکتر نجیب‌ا... و رهبران جهادی و مقاومت رخ داد. البته این امر بدون اراده جدی و حمایت همسایه جنوبی بسیار دشوار و در کوتاه مدت تقریباً غیرمحتمل است. اما فارغ از امکان آن، طالبان به خوبی بر این امر واقف است که هرگونه کسب قدرت با توسل به خشونت موجب تحریک مقاومت مردمی و بویژه رویارویی اقوام مختلف با آنان خواهد شد و افغانستان را وارد جنگ داخلی نامعلومی خواهد کرد. به عبارتی دیگر، حفظ کابل (دولت) توسط طالبان به مراتب صعب و دشوارتر از سقوط آن به‌دست طالبان است. اگرچه انتظار رفتار عقلانی از کنش‌گران غیردولتی افراطی شاید معقول به نظر نرسد.

۲ گزینه محتمل دوم، تشکیل دولتِ گذار یا موقت؛ بر این اساس، رهبران احزاب سیاسی و بزرگان قومی شورای گذار یا دولت موقت تشکیل می‌دهند و رهبری جریان صلح با طالبان را به‌دست گیرند. این احتمال دو مانع حقوقی و سیاسی خواهد داشت. نخست آنکه قانون اساسی ۱۳۸۲ تشکیل دولت موقت را پیش‌بینی نکرده است. حتی عدم امکان بازنگری قانون اساسی در دوران اضطرار (ماده ۱۴۶ قانون اساسی) و اختیار رئیس جمهور در اعلام اضطرار در مواقع جنگ نیز که به موجب ماده ۱۴۴ قانون اساسی وی را عهده‌دار صلاحیت‌های شورای ملی پس از مشورت با رؤسای مجلسین و دیوان عالی کشور (ستره محکمه) خواهد کرد، موجب می‌شود تا آقای اشرف غنی که پس از منازعات و کشمکش فراوان با رقیب انتخاباتی خود - آقای عبدا... - در نهایت بدون تن دادن به تشکیل دولت وحدت ملی پیروز انتخابات ریاست جمهوری گذشته گردید، به‌راحتی حاضر به واگذاری قدرت نشود - ضمن آن‌که وی اخیراً توانسته است رئیس جمهور آمریکا را قانع سازد که ۶۵۰ تن از سربازان آمریکایی جهت حفاظت از فرودگاه کابل در افغانستان حضور داشته باشند - همچنین آگاهی وی از سرنوشت دکتر نجیب‌ا... و بیم تکرار تاریخ، آقای اشرف غنی را از این کار برحذر می‌دارد که این امر مانع سیاسی سترگی در تشکیل دولت گذار خواهد بود.

۳ گزینه سوم، تقسیم کیک قدرت در دوحه است که اگرچه احتمال آن اندک است اما بعید هم نخواهد بود. با وجود اینکه تصرفات و پیروزی‌های اخیر طالبان موجب خواهد شد که آنان دست بالا را در مذاکرات صلح داشته باشند اما کماکان این امر منجر به خروج گزینه کسب قدرت از طریق سیاسی از برنامه‌های طالبان نخواهد شد و آنان نهایت تلاش خویش را جهت برخورداری قدرت سیاسی در مذاکرات خواهند کرد. ضمن آن‌که کنش‌گران خارجی مؤثر در افغانستان البته با اهداف متفاوت اما تقریباً همگی خواهان تشکیل یک حکومت همه‌شمول و فراگیر در افغانستان هستند.

در نهایت اگرچه ممکن است هیچ‌یک از احتمالات فوق نیز رخ ندهد، اما آنچه بیشتر حائز اهمیت است توجه طرف‌های درگیر به مسئولیت اجتماعی و انسانی خویش است. افغانستان پس از خروج نیروهای ناتو در نقطه عطفی قرار دارد که تمامی کنش‌گران باید به رسالت تاریخی خویش جهت ساختن جامعه‌ای آباد، پویا و مستقل عمل کنند. جوانان و مردم افغانستان خواهان پیشرفت، توسعه و استقلال هستند و خروج نیروهای نظامی خارجی از هر کشور نوید استقلال و مایه خوشحالی وطن‌دوستان خواهد بود. در دوران اخیر سطح سواد و ارتباط با جامعه بین‌الملل در افغانستان افزایش چشمگیری داشته است و دولت آینده افغانستان قادر به تغییر این ریل نخواهد بود و اراده و خواست ملت در پاسداشت حقوق زنان، حقوق بشر، توسعه، صلح و ... امری غیرقابل بازگشت است. به تعبیر ماکیاولی، ملتی که طعم آزادی را چشیده‌اند نمی‌توان تحت استبداد کشید. بنابراین در صورت مسئولیت‌پذیری تمامی کنش‌گران داخلی و خارجی، خروج نیروهای نظامی بیگانه از خاک افغانستان، امیدی دوباره در ساخت وطن متولد خواهد شد و هرگونه تمامیت‌خواهی، مداخله خارجی و اصرار بر کسب قدرت از طریق غیرسیاسی، تاریکی و بیمی بی‌انتها را در پی خواهد داشت.

نگاه

۲ خواسته‌ای که نباید از آنها کوتاه بیاییم

حنیف غفاری
دبیر بین‌الملل

«برجام دفرمه شده» به یک کلید واژه ملموس در حوزه سیاست خارجی آمریکا تبدیل شده است. وجه اشتراک جمهوریخواهان و دموکرات‌های کاخ سفید این است که هر دو کمترین اعتقادی به برجام و متعلقات آن (حتی قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت سازمان ملل متحد) به مثابه یک سند حقوقی مستقل ندارند. بر همین اساس، رفع تحریم‌های ضد ایرانی نیز معنایی در قاموس سیاست خارجی آمریکا ندارد. بی‌دلیل نیست که جو بایدن و همراهانش در شش دور مذاکرات اخیر در وین با هدف احیای برجام، زیر بار رفع همه تحریم‌های ضدایرانی و متعاقبا ارائه تضمین در خصوص آینده توافق هسته‌ای نرفته‌اند. مطابق نگاهی که افرادی نظیر ریچارد نفیو (معمار تحریم‌های ضد ایرانی در دوران اوباما)، جیک سالیوان و آنتونی بلینکن نسبت به مذاکرات وین دارند، صرفا منجر به پررنگ شدن تعهدات ایران و کمرنگ‌تر شدن تکالیف غرب شود. طرف آمریکایی در ابتدا تاکتیک تفکیک تحریم‌های ضد ایرانی را با هدف باقی ماندن هندسه و ساختار تحریم‌ها در دستور کار قرار داده و سپس با تضمین گریزی سعی دارد به این پروسه شدت بخشد. همگان به یاد دارند در سال ۲۰۱۶، زمانی که توافق هسته‌ای میان ایران و اعضای ۱+۵ اجرایی شد، جان کری و جک لو، وزرای خارجه و خزانه‌داری دولت اوباما به‌صراحت ماده ۲۹ برجام را نقض کرده و مانع رفع واقعی تحریم‌های ضد ایرانی شدند. پس از شکایت ایران، واشنگتن و تروییکای اروپایی در کمیته مشترک برجام مدعی شدند توافق هسته‌ای نقض نشده و باید به همین منوال ادامه پیدا کند. با توجه به تجربه سال ۲۰۱۶ و همچنین تجربه خروج دولت ترامپ از توافق هسته‌ای در سال ۲۰۱۸، اساسا جایی برای مدارا و مصالحه در مذاکرات وین باقی نمانده است و بدیهی است رفع همه تحریم‌های مغایر با برجام و ارائه تضمین در خصوص آینده توافق هسته‌ای، دو مؤلفه‌ای هستند که بدون آنها احیای برجام نه‌تنها برای کشورمان مفید نیست، بلکه مولد زیان و آسیب علیه منافع ملی ما خواهد بود. نقطه اوج این ضرر به امکان استفاده دولت آمریکا از مکانیسم ماشه برمی‌گردد. منظور از مکانیسم ماشه بخش پایانی همان ساز و کار حل اختلافات در بندهای ۳۶ و ۳۷ در برجام است. این دو بند از آنجا که رجوع به آنها می‌تواند به بازگشت خودکار تحریم‌های بین‌المللی علیه ایران بینجامد، به مکانیسم ماشه معروف شده است. طرف آمریکایی قصد دارد از یک سو هندسه تحریم‌ها را علیه ایران حفظ کرده و مانع عادی سازی روابط تجاری تهران با کشورهای دیگر شود و از سوی دیگر از ظرفیت‌های سلبی برجام مانند مکانیسم ماشه در راستای وادارسازی کشورمان به بقا در توافق هسته‌ای با حداقل منافع ممکن استفاده کند. با این حال اصرار بر رفع همه تحریم‌ها و ارائه تضمین در خصوص آینده برجام هر دو سبب خواهد شد تا قدرت مانور واشنگتن و تروییکای اروپایی در این مسیر محدود شود. بدیهی است دستگاه دیپلماسی و سیاست خارجی کشورمان در دور هفتم مذاکرات وین (که به‌زودی برگزار خواهد شد) نباید از این دو خواسته ذره‌ای کوتاه بیاید.

درنگ

فاجعه بزرگ شروع شده است

مهدی آیینی
جامعه

هورالعظیم جان ندارد. از این تالاب بین‌المللی شبحی بیشتر باقی نمانده است. لاشه هزاران ماهی و گاومیش‌هایی که در گل و لای مدفون شده‌اند از فاجعه‌ای خبر می‌دهد که پیامدهایش بیش از گذشته گریبان دیگر کلانشهرها و حتی پایتخت را خواهد گرفت. پیش‌بینی این‌که توفان ریزگردها و سیل آوارگان زیست‌محیطی بیش از گذشته خواهد شد، کار سختی نیست؛ زیرا این روند بارها در کشور اتفاق افتاده و تاکنون مدیران نتوانسته‌اند چاره‌ای برای آن بیندیشند. شرایط این روزهای هورالعظیم بی‌شباهت نیست با آنچه چند سال پیش بر هامون گذشت. هامون که روزگاری به انبار غله ایران مشهور بود و سالانه حدود ۱۲هزارتن ماهی از آن برداشت می‌شد، امروز شوره‌زاری است که در آن نشانی از زندگی نمی‌توان یافت. آن دسته از بومیان منطقه که پای رفتن داشته، کوچ کرده و آنها که مانده‌اند با هزار و یک مشکل دست به گریبان هستند و توان رفتن ندارند. چند سال پیش که برای تهیه گزارش به سیستان و بلوچستان رفته بودم با خانه‌هایی روبه‌رو شدم که در و پنجره‌هایشان را گل گرفته بود. این خانه‌ها متعلق به افرادی بود که ناچار به مهاجرت شده بودند اما چون در برهه‌ای برخی مدیران تصمیم گرفته بودند با ممنوعیت اسباب‌کشی روند مهاجرت را آهسته کنند. برخی بومیان منطقه ترجیح می‌دادند درخانه‌هایشان را گل بگیرند و بدون اسباب و وسایل زندگی به کلانشهرهای اطراف مهاجرت کنند.

آمارهای قابل اعتمادی درخصوص مهاجرت آوارگان زیست‌محیطی در دسترس نیست، اما می‌توان گفت شرایط نامناسب زیست‌محیطی سبب شد در سال‌های ۹۰ تا ۹۱ بیش از ۳۵ هزار نفر از منطقه سیستان خارج شوند یا تا مدتی پیش تعداد گاوهای بومی سیستان در حاشیه دریاچه هامون بیش از ۹۰ هزار راس بود، اما اکنون در کل دشت سیستان حدود ۲۰هزار راس گاو بومی وجود دارد. پیامدهای بی‌توجهی به تالاب هامون البته ادامه دارد. هنوز نیز اندک بومیان باقیمانده حاشیه هامون، سودای مهاجرت دارند و خالی از سکنه شدن این منطقه تهدیدهای امنیتی نیز درپی دارد، چراکه کم نیستند مهاجران غیرقانونی که در روستاهای متروکه ساکن شده‌اند. آینده هورالعظیم بی‌شباهت به شرایط این روزهای تالاب هامون نیست و این واقعیت تلخی است که مدیران محیط‌زیست، وزارت نیرو، جهاد کشاورزی، وزات خارجه و وزارت نفت باید بیش از گذشته به آن توجه کنند، زیرا نجات هورالعظیم درگرو تعامل بین بخشی است و تا وقتی وزارت نیرو حقابه کامل تالاب را نپردازد، نمی‌توان به نجات هور امیدوار بود. این وزارتخانه باید از رسیدن حقابه به هورالعظیم اطمینان پیدا کند و تنها به بازکردن دریچه‌های سدهایش اکتفا نکند، زیرا بخش قابل‌توجهی از حقابه در طول مسیر از سوی برخی کشاورزان برداشت می‌شود و به هورالعظیم نمی‌رسد. وزارت خارجه نیز باید با فعالسازی بحث دیپلماسی آب برای بهبود شرایط تالاب تلاش کند. مدیران سازمان حفاظت محیط‌زیست نیز باید فراتر از شعار عمل کنند. به عبارت دیگر مدیران این سازمان باید به جای پرداختن به سیاست و حاشیه‌ها حقابه تالاب‌های کشور را تامین کنند، چراکه تبعات ناشی از مرگ تالاب‌های کشور محدود به مسائل محیط‌زیستی نیست و با از بین رفتن تالاب باید منتظر افزایش آسیب‌های اجتماعی و تهدیدهای امنیتی نیز بود.